هو الله تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

حمد مالک ممالک عدل و فضل را لایق و سزاست که بکلمهٔ علیا مظاهر این دو را از عدم بوجود آورد و حفظ و راحت و ثروت و عزّت عالم باین دو معلّق و منوط جلّت عظمته و جلّ سلطانه و لا اله غیره و الصّلوة و السّلام علی سیّد الکونین و رحمة العالمین و نور المشرقین و حامل البحرین الّذی به ظهرت لئالئ بحر العرفان امام وجوه الادیان و به اشرق نیّر التّوحید من افق الامکان و علی آله و اصحابه الّذین بهم محت آثار الشّرک و النّفاق و نصب علم الحکمة بین الامکان انّه هو المقتدر العزیز المنّان یا عبد الله علیک سلام الله این ایّام از هر جهتی حزن وارد البته اعمال مدّعیان محبّت را در مدینهٔ کبیره شنیده‌اید نار حرص و طمع افروختند و مال جمعی را انکار نمودند در چنین ایّامی خبر منکری از آن ارض رسید که بر احزان افزود ابن فارض میگوید : و حزنی ما یعقوب بثّ اقلّه _ و کلّ بلی ایّوب بعض بلیّتی باری آنجناب باید بر تدارک آن امر قیام نماید و هیکل منکر را برداء معروف مزّین دارد اخبارات عجیبه و غریبه از آن ارض در اطراف منتشر انشاء الله بعزم ثابت و رأی راسخ بر اصلاح قیام نمائی اولیای آن ارض را از قبل مظلوم سلام برسان کل را وصیّت مینمائیم باعمال طیّبه و اخلاق مرضیه السّلام علیک و علی الّذین عملوا بما امروا به فی کتاب الله ربّ العالمین .